

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: طاهر باختری  
۰۱ اپریل ۲۰۲۵

## چین به روند کاهش وابستگی به دالر و تقویت استقلال مالی خود ادامه می‌دهد



کاهش اوراق قرضه آمریکا به ۷۵۹ میلیارد دالر در مقایسه با بیش از ۱.۳ تریلیون دالر گذشته چین به‌طور تدریجی میزان اوراق قرضه خزانهداری ایالات متحده را کاهش داده است، اقدامی که بخشی از یک استراتژی هدفمند برای تقویت استقلال مالی و کاهش وابستگی به دالر محسوب می‌شود. طی سال‌های گذشته، نگهداری این دارایی‌ها بخش مهمی از مدیریت ذخایر ارزی بین‌المللی چین بوده است، اما شرایط جدید اقتصادی و ژئوپلیتیک باعث شده است که بیجینگ به متنوع‌سازی سرمایه‌گذاری‌های خود بپردازد و ریسک‌های مرتبط با ناپایداری مالی آمریکا را کاهش دهد.

اقتصاد چین در تلاش است تا بدون وابستگی بیش از حد به سیاست‌های پولی فدرال رزرو، مسیر رشد خود را ادامه دهد. افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو باعث کاهش بازدهی اوراق قرضه خزانهداری شده و در عین حال، بحران‌های مکرر مرتبط با سقف بدهی دولت آمریکا، ابهاماتی درباره ثبات این دارایی‌ها ایجاد کرده است. در نتیجه، چین به دنبال جایگزین‌هایی است. بیجینگ خرید طلا را افزایش داده، ترکیب ذخایر ارزی خود را با ارزهای دیگر متنوع کرده و استفاده از یوان در مبادلات بین‌المللی را ترویج داده است تا نفوذ دالر در تجارت جهانی را کاهش دهد. یکی دیگر از عوامل کلیدی این استراتژی، تشدید رقابت میان چین و آمریکا است. با افزایش تنش‌های تجاری و فناوری، چین در تلاش است تا وابستگی خود را به نظام مالی آمریکا کاهش دهد و در برابر تحریم‌های احتمالی یا

محدودیت‌های مالی از سوی واشنگتن، مقاومت بیشتری پیدا کند. نگهداری حجم بالایی از اوراق قرضه امریکائی به معنای وابستگی به سیستمی است که می‌تواند در هر لحظه علیه چین عمل کند. بنابراین، این کشور در حال تغییر مسیر به سوی یک ساختار مالی مقاومتر است.

با این حال، کاهش میزان اوراق قرضه خزانه‌داری امریکا به معنای کنار گذاشتن کامل دارائی‌های امریکائی نیست. چین همچنان از حساب‌های نگهداری اوراق در کشورهای دیگر استفاده می‌کند و در سایر ابزارهای مالی امریکا سرمایه‌گذاری دارد. این سیاست نه یک قطع رابطه، بلکه یک بازتعادل محسوب می‌شود که در آن وزن اوراق قرضه خزانه‌داری کاهش یافته و به جای آن، منوئی متنوع‌تری ایجاد شده است تا ثبات و کنترل بیشتری بر منابع مالی چین در یک محیط بین‌المللی ناپایدار فراهم شود.

### ذخایر ارزی چین

چین بزرگ‌ترین ذخایر ارزی جهان را در اختیار دارد که بالغ بر ۳.۳ تریلیون دلار است. پس از چین، جاپان با ذخایری حدود ۱.۲ تریلیون دلار در جایگاه دوم قرار دارد. کشورهای دیگری مانند سوئیس، عربستان سعودی و روسیه نیز دارای ذخایر قابل‌توجهی در محدوده ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار هستند.

مدیریت ذخایر ارزی چین بر حفظ ثبات مالی کشور و تقویت حاکمیت اقتصادی در یک محیط جهانی پرجنجال متمرکز است. این ذخایر برای حفظ پایداری ارزش یوان، تأمین نقدینگی در دوران بحران و مقابله با شوک‌های خارجی نقش کلیدی دارند. اوراق قرضه خزانه‌داری امریکا برای سال‌ها بخش مهمی از این ذخایر بوده و بازدهی باثبات و نقدشوندگی مناسبی را فراهم کرده‌اند، اما در سال‌های اخیر اهمیت آن‌ها کاهش یافته و رویکرد چین به سمت یک ستراتیژی متنوع‌سازی گسترده‌تر تغییر کرده است.

در حال حاضر، چین حدود ۷۵۹ میلیارد دلار از این اوراق را در اختیار دارد که بسیار کمتر از بیش از ۱.۳ تریلیون دلاری است که در سال ۲۰۱۳ نگهداری می‌کرد. این کاهش نشان‌دهنده تلاش برای کاهش ریسک‌های مالی مرتبط با افزایش بدهی امریکا و بی‌ثباتی سیاست‌های مالی و پولی آن کشور است.

در راستای این ستراتیژی، چین سهم ارزهای دیگر و دارائی‌های مالی جهانی را در ذخایر خود افزایش داده است. میزان ذخایر به یورو، ین جاپان و پوند انگلیس به شکل قابل‌توجهی رشد کرده که نشان‌دهنده افزایش ارتباطات تجاری چین با اروپا و جاپان است. این روند باعث می‌شود که چین در برابر نوسانات دلار مقاومتر شود و وابستگی خود را به یک ارز خاص کاهش دهد. علاوه بر این، چین سرمایه‌گذاری خود را در اوراق قرضه دولت‌های نوظهور مانند برزیل و روسیه افزایش داده است تا همکاری با شرکای ستراتیژیک را تقویت کند و نظام مالی چندقطبی‌تری ایجاد نماید.

در این چارچوب، طلا نیز نقش مهمی در ستراتیژی ذخایر چین ایفا کرده است. بانک مرکزی چین (PBoC) در سال‌های اخیر خرید طلا را تسریع کرده و بیش از ۲۱۰۰ تن طلا جمع‌آوری کرده که حدود ۴٪ از کل ذخایر را تشکیل می‌دهد. این اقدام به عنوان یک سپر حفاظتی در برابر تحریم‌های مالی احتمالی عمل کرده و جایگزینی باثبات برای دارائی‌های مبتنی بر دلار محسوب می‌شود.

### صندوق سرمایه‌گذاری دولتی چین (CIC)

صندوق سرمایه‌گذاری دولتی چین (China Investment Corporation – CIC) با مدیریت حدود ۱.۳۵ تریلیون دلار از دارائی‌های جهانی، بخشی از ذخایر ارزی رسمی ۳.۳ تریلیون دلاری چین محسوب نمی‌شود، هرچند که سرمایه اولیه آن از این ذخایر تأمین شده است. دولت چین در سال ۲۰۰۷ این صندوق را با انتقال ۲۰۰ میلیارد دلار از ذخایر

رسمی که توسط بانک مرکزی مدیریت می‌شد، تأسیس کرد تا سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی خود را گسترش دهد. از آن زمان، CIC برنامه خود را توسعه داده، اما این دارائی‌ها جزو ذخایر رسمی چین محسوب نمی‌شوند. ذخایر رسمی که تحت کنترل بانک مرکزی چین قرار دارند، عمدتاً شامل اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا، یورو، ین، یوان، سپرده‌های ارزی و طلا هستند. هدف اصلی این ذخایر، تثبیت ارزش یوان، تأمین نقدینگی در صورت بحران مالی و حمایت از سیاست‌های پولی کشور است. در مقابل، CIC به عنوان یک صندوق سرمایه‌گذاری دولتی، بر کسب سودهای بلندمدت تمرکز دارد و در بازارهای سهام بین‌المللی، زیرساخت‌ها، املاک و مستغلات و بخش انرژی سرمایه‌گذاری می‌کند. این صندوق به صورت مستقل‌تر از ذخایر رسمی چین عمل کرده و نقش مهمی در ستراتیژی مالی بلندمدت بیجینگ ایفا می‌کند.

اگرچه سرمایه اولیه CIC از ذخایر تأمین شد، مدیریت دارائی‌های آن مستقل است، به این معنی که سرمایه‌گذاری‌ها و بازده‌های آن در محاسبه ذخایر بین‌المللی چین لحاظ نمی‌شود. دولت چین از این ستراتیژی برای تنوع‌بخشی به میزان مواجهه مالی خود در سطح جهانی استفاده کرده و مدیریت ذخایر رسمی را از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت CIC جدا کرده است.

### **اختصاص منابع برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی در ابتکار کمربند و جاده**

یکی دیگر از اقدامات کلیدی برای کاهش دارائی‌های مبتنی بر دلار، تخصیص بخشی از ذخایر به سرمایه‌گذاری‌های ستراتیژیک در توسعه جهانی بوده است. از طریق ابتکار کمربند و جاده، چین منابعی را به پروژه‌های زیرساختی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اختصاص داده و همکاری‌های توسعه‌ی خود را تقویت کرده است، درحالی‌که نیاز به نگهداری دارائی‌های آمریکائی را کاهش داده است. بر اساس داده‌های پایان سال ۲۰۲۳، سرمایه‌گذاری جمعی در این ابتکار از مرز ۱ تریلیون دلار (۱.۰۱۶ تریلیون دلار) عبور کرده است که شامل حدود ۵۹۶ میلیارد دلار در قراردادهای ساخت‌وساز و ۴۲۰ میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری‌های غیرمالی می‌شود.

تأمین مالی این پروژه‌ها از منابع مختلفی انجام شده است، از جمله بانک توسعه چین (CDB) و بانک صادرات و واردات چین (China Exim Bank)، که میلیاردها دلار وام برای ساخت جاده‌ها، بنادر، راه‌آهن و نیروگاه‌ها در کشورهای آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپا اعطا کرده‌اند. علاوه بر این، صندوق راه ابریشم که در سال ۲۰۱۴ با سرمایه اولیه ۴۰ میلیارد دلار تأسیس شد، به‌طور خاص برای حمایت از پروژه‌های ستراتیژیک در چارچوب این ابتکار ایجاد شده است.

### **بیکربندی مجدد ذخایر ارزی چین**

بیکربندی مجدد ذخایر ارزی چین یک تصمیم منفرد نیست، بلکه نتیجه تحلیل عمیقی از شرایط اقتصادی و سیاسی بین‌المللی است. بی‌ثباتی فزاینده در سیاست مالی ایالات متحده، که با افزایش بدهی و بحران‌های مکرر پیرامون سقف بدهی مشخص می‌شود، ریسک در مورد قابلیت اطمینان اوراق خزانه‌داری آمریکا را به‌عنوان یک دارائی امن افزایش داده است. علاوه بر این، استفاده فزاینده از دلار به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار ژئوپلیتیک، چین را بر آن داشته تا به دنبال جایگزین‌هایی باشد که استقلال اقتصادی آن را تقویت کرده و آسیب‌پذیری آن را در برابر تحریم‌های مالی احتمالی کاهش دهد، تحریم‌هایی که در گذشته علیه کشورهای دیگر اعمال شده است.

ستراتژی تنوع‌بخشی به ذخایر نه تنها شامل کاهش تدریجی نگهداری اوراق قرضه آمریکا است، بلکه افزایش سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ارزی دیگر، مانند یورو، ین جاپان و فرانک سوئیس را نیز در برمی‌گیرد. همچنین، چین بر روی افزایش ذخایر طلا تمرکز کرده است، چراکه طلا به‌عنوان یک دارایی ستراتیژیک در جهت حفظ ثبات پولی کشور مطرح شده است.

همزمان، ترویج یوان به‌عنوان یک ارز کلیدی در تجارت بین‌المللی، نیاز به نگهداری مقادیر زیادی دالر در ذخایر را کاهش داده است. چین توافق‌های تبادل ارزی (سوآپ) با چندین کشور منعقد کرده که تجارت با یوان را تسهیل کرده و وابستگی به دالر را در معاملات دوجانبه کاهش داده است. همچنین، بین‌المللی شدن یوان با ورود آن به سبد حق برداشت ویژه (SDR) صندوق بین‌المللی پول تقویت شده است، که موقعیت آن را به‌عنوان یک ارز ذخیره جهانی مستحکمتر کرده است.

این تغییر به معنای خروج کامل از دارایی‌های امریکائی نیست، بلکه گامی محکم به‌سوی یک نظام مالی متعادلتر و مقاومتر است که با منافع ستراتیژیک چین همسو بوده و چشم‌انداز آن را برای یک نظم اقتصادی جهانی باثبات تر و چندقطبی تر تقویت می‌کند. با متنوع‌سازی ذخایر و کاهش تدریجی وابستگی به بدهی ایالات متحده، چین به دنبال تثبیت مدلی مالی است که کمتر به دالر متکی باشد و ساختاری غیرمتمرکزتر ایجاد کند، به‌گونه‌ای که یوان نقش برجسته‌تری در تجارت بین‌المللی و ثبات پولی جهانی ایفا کند.

\*\*\*\*\*

(این مقاله در ابتداء در چین، اطلاعات و اقتصاد منتشر شده است.)-[chinainformacionyeconomia.com](http://chinainformacionyeconomia.com)

۳۱ مارچ ۲۰۲۵